

دانستنی‌های شب چله

از شب یلدا قدیم تا شب یلدا جدید

۱ نیکو کوچولو رفت پیش مادر بزرگش و از او پرسید: «چرا هر سال اولین شب زمستون مهمونی شب یلدا داریم؟ زمانای قدیم این مهمونی چه شکلی و چطوری بوده؟»



۲ مامان جون نپیره لبخندی زد و گفت: «از قدیم قدیما، از اون زمونایی که هیشکی یادش نمی‌آد، ایرانیا شب اول دی ماه که خیلی هم برف و سرما زیاد بوده و مثل الان بخاری نفتی و برقی و گازی نبوده، برای اینکه گرم بشن همه دور تا دور کرسی می‌نشستن. اوناتوی این شب بلند، مجلس و دعوتی می‌گرفتن و همه‌ی بزرگ‌ترا و کوچک‌ترا دور هم بودن و توی اون شب در کنار احوالپرسی و خوردن خوراکی‌هایی که داشتن، قصه‌و شعر می‌خوندن و سعی می‌کردن خوش و سلامت باشن.»



۳ نیکو از مامان جون نپیره دوباره پرسید: «اون قدیما شب یلداچی می‌خوردن؟»

